



عبدالرضاخان ابراهیمی

صد خانوادہ حکومتگر ایران خاندان ابراهیمی

۶

شیخ ہفتم

از سرکار آقا (شیخ ششم) فرزندان چندی باقی میماند کہ برجستہ ترین آنسان عبدالرضا خان ابراهیمی و محمد حسین ابراهیمی و محمد جواد ابراهیمی . . . هستند در زمان حیات شیخ ہفتم پیدا بود کہ شانس عبدالرضا خان ابراهیمی از برادران دیگر برای احراز مقام پدر بیشتر است از اینرو پس از فوت شیخ ششم عبدالرضا خان کہ در دانشکدہ فنی دانشگاہ تہران مشغول اتمام دوران مہندسی می بود تحصیلات عالی خود را ناقص می گذارد بہ کرمان میرود و در آذر ۱۳۴۸ بعنوان (شیخ ہفتم) عہدہ دار رسالت امور نیاکان خود می گردد با ابتکارات نو و روش جدید بہ ادارہ امور شیخی گری میپردازد .

از جملہ تازہ کاریہای او برگزیدن آرمی بعنوان (سلام علی ابراہیم) بر روی نامہ ہاست کہ بر من روشن نشد این ابراہیم کیست اگر حضرت ابراہیم است چہ ارتباطی بہ شیخیان دارد چہ پیشوایان چہ ادیان زندہ (عیسی و موسی و محمد (ص)) هستند و اگر ہم بر بنیاد اصول شیخیہ باشد باید سلام بر ائمہ اطہار و یا پیشوایان شیخیہ و یا تبار شیخیہ ابراہیمی (محمد کریم خان) داد، مگر اینکہ بپذیریم کہ منظور پدر شیخ محمد کریم خان (ابراہیم ظہیرالدولہ) حکمران کرمان نیز پیشوای شیخیان بودہ کہ مردم و ما و خود شیخیان نمیدانستند (سلام علی ابراہیم) یعنی (سلام علی ابراہیم ظہیرالدولہ)، ولی بسیار کسانی کہ شیخ ہفتم را



امیرالامرا و فرزندانش

دیدگاه انداز لحاظ خلق و خو و سجایای اخلاقی و انسانی او را ستوده‌اند بطور قطع در دنیای ماشینیسیم و مادی ما وجود چنین مظاهر ایدئالیستی تأثیر زیادی در (انسان سازی) جوانان و مردان دارد .

شاخه امیر ابراهیمی

فرزند برجسته شاهرخ میرزا ، نواده ابراهیم ظهیرالدوله حاج محمد امیرالامرا است که ابتدا از درباریان و پیشخدمتهای حضور همایون می بود و بعد پایگاهش بالا رفت و بقول افضل الملک جزء رجال و امراء دولت ناصرالدینشاه شد .
در سالهای آخر سلطنت پادشاه به پیشکاری و وزارت شکوه السلطنه (مادر ولیعهد مظفرالدین میرزا) میرسد و به سال ۱۳۱۵ به دریافت یک حلقه انگشتری الماس از مظفرالدینشاه نائل میگردد .

گویند وی مردی با ذوق و با استعداد می بود از امور جراحی ، معماری و عکاسی سررشته

داشت . ۱ .

فرزند معروف وی علی خان قاجار (امیرالامرا دوم) است که مثل پدرش کار دولتی و درباری خود را از غلامبگی پادشاه شروع میکند بعد به وزارت گیلان و وزارت کرمان میرسد. او در مدت قدرت خود در کرمان نفوذ زیادی داشت و به خاندان ابراهیمی و شیخیان کمک زیاد کرد. وقتی رکن الدوله به حکمرانی کرمان رسید (امیرالامرا ... منتقل شد که مقرری مالیات را در وقت معلوم و مشخص بصندوق برساند مشروط بر اینکه رکن الدوله را بهیچوجه مداخله در کار حکومت از کلی و جزئی نباشد ...

مشارالیه اقوام و کسان خود را دعوت کرد انجمنی تشکیل داد و شرح ماحصری را اظهار داشت بالاخره قرار شد اداره حکومت کرمان کمپانی باشد چند نفر معین شد از خوانین ابراهیمیه و برای هر یک شغلی معین و وجهی مقرر شد، مختار الملک کلانتری شهر، رفعت - السلطنه حکومت رفسنجان و مستعان الملک را زرنند^۲.

امیرالامراء در این پست که همه کاره کرمان می بود از حدود بیطرفی و مردم داری بیرون می شود، شیخ ابو جعفر مجتهد را برای خوش آیند شیخیان مورد توهین قرار میدهد پس او حاج محمد رضا مجتهد، پیشوای آزاد اندیش و روحانی پاکدل را به فلک می بندد از کرمان تبعید می کند.

دکتر ملک زاده در تاریخ خود این توهین شیخیان را به مجتهد اندیشمند کرمانسی مورد تأیید قرار میدهد و سپس چهره تابناک این شخصیت کم نظیر تاریخ آزادی مارا چنین می شناساند: (مجتهد یکی از بزرگترین روحانیون پاکدامن و باتقوی بود و در تمام عمر خود به حکومت ملی و مشروطیت ایمان داشت، مستبدین را دشمن خلق و خدای پنداشت^۴)

تهدید مهاجرت به عراق

حال که سخن ما به نقش شیخیان در مشروطیت ایران رسیده است لازم است دانسته شود که خاندان ابراهیمی با مشروطه و آزادی همراه نبوده اند منتهی هر گاه اوضاع را برای نواختن ضربه به پیکر مردم و آزادی مناسب می دیدند با توان هر چه بیشتر به نابودی مشروطیت نوپای ما می پرداختند.

چنانچه پس از کودتای محمد علی شاه و بنوب بستن مجلس و کشتار آزادیخواهان همینکه گروه شیخ فضل الله نوری و امام جمعه رأی به تحریم آزادی و تکفیر مشروطه خواهان میدهند زعمای خاندان ابراهیمی با فتوای خود این آزادی کشی و تحریم و تکفیر را تأیید می کنند، در صورت ادامه مشروطیت، صدراعظم و شاه را تهدید به مهاجرت خویش به عراق می نمایند. فرزندان شیخ محمد کریم خان ابراهیمی (محمد قاسم، شیخ زین العابدین، علی ابراهیمی) نمایندگی از طرف همه پیروان در ایران، تلگرافاً " عملیات دولت و محمد علی شاه را تأیید میکنند و می نویسند:

"... هر گاه مشروطیت این دو سال باشد از جان و مال و عرض و ناموس گذشت و تمکین این مشروطیت که بی قیدی محض است ننمود و شرع مطهر نبوی را وداع باید گفت و علی الاسلام سلام. دعا گوین از قبل خود و عموم سلسله شیخیه ممالک ایران و تمام فامیل دولتخواهان عرض می نمائیم که مقصود اصلی دعاگوین استحکام مبانی شریعت و بقای ذات مقدس سلطنت و دولت ابد مدت و نظم مملکت است چنانچه کارگزاران دولت زمام امور را در دست اشرار مملکت ننهند و جهال مطلق العنان نباشند شاکریم والا هر گاه مثل دو سال گذشته باشد رخصت فرمایند این دعاگوین به عتبات عالیات مهاجرت نموده به دعاگوئی ذات مقدس ملوکانه مشغول باشیم .

دعاگوین : محمد قاسم بن کریم ، زین العابدین بن کریم ، علی بن کریم "۵" .
این زین العابدین که نامش را زیر تلگراف می بینید (شیخ پنجم) رهبر شیخیان است که زندگینامه او را خواندید .
(بقیه این مقاله را در شماره ۶ بعد بخوانید)

۱- مقاله سید محمد علی جمال زاده (شیوخ سلسله) شیوخیه - روزنامه دنیا ۴۷۱-۵ دی ۱۳۳۶

۲- فهرست آثار شیخیه جلد ۲ صفحه ۲۴۳

۱- سه مکتوب میرزا آقاخان کرمانی صفحه ۴۴ (عکس ۶۵۳۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

۴- مکتب شیخی از حکمت الهی شیعه ۲

۵- رساله فلسفیه بقلم حقیر سراپا تقصیر ابوالقاسم ۲۴۸-۲۲۵-۲۱۴-۲۱۱-۱۸۳

بقیه از صفحه ۱۵

ولی بعید نیست که در روزگار اشکانی ساخته شده و در زمان ساسانیان ، اطاق‌هایی برای سکونت موبدان و آتریپانان بآن اضافه شده باشد ، بخصوص که پرفسور جکسن ، در هنگام بازدید از محل مزبور ، آثار خرابه اطاق‌ها و ساختمانهای چندی را مشاهده کرده است .
تا تحقیقات جدیدتر باید همین نظریات را پذیرفت .

بقیه از صفحه ۴۳

که نمیدانم دعوت داشتند یا نداشتند گاه آنچنان زیاد بوده که اکثرا " فرصت استفاده از آنها را نمی یافتند .

همانطوریکه کرارا " اشاره کردم مردم پاکستان به زبان فارسی توجه زیادی دارند مخصوصا "آنان که از چهل سال بیشتر دارند از خواندن و مثال آوردن از گلستان و بوستان سعدی و دیوان حافظ و مثنوی مولوی و شاهنامه خیلی لذت می برند و اشعار صوفیانه آنها اکثرا " بزبان فارسی است زبان اردو دارای ۳۸ حرف است و به علاوه عده‌ای حروف دارد که صدارا تخفیف یا تشدید می دهند و اغلب این دست‌هاز "ه" و "ک" و "ن" و "د" و نظائر آن هستند مثلا "بهوتو در حقیقت "بوتو" است با تشدید "ب" و "بهائی" که "بای" خوانده می شود و معنی آن برادری است .